

جغرافیا و توسعه - شماره ۱۰ - پاییز و زمستان ۱۳۸۶

صص: ۳۷-۵۴

وصول مقاله: ۱۳۸۵/۱۱/۳

تأیید نهایی: ۱۳۸۶/۸/۱۹

تحلیل عوامل و شرایط محیطی مؤثر بر شناخت و آگاهی روستاییان از بخش تعاون موردشناسی: استان سمنان

دکتر غریب فاضل نیا

استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه زابل

چکیده

رهیافت کلاسیک ترویج و اطلاع‌رسانی پیرامون بخش تعاون به مناطق روستایی از این جهت که در انطباق با شرایط و عوامل محیطی و جغرافیایی نیست، دچار برخی کاستی‌های ساختاری است. در تلاش برای بازسازی و آرایه‌ی الگوی بهینه‌ی برنامه‌ریزی ترویج و اطلاع‌رسانی تعاون خاص مناطق روستایی سؤال اساسی این است که: عوامل و شرایط محیطی تأثیرگذار بر میزان شناخت و آگاهی روستاییان، کدام‌اند و چه تأثیری بر میزان شناخت و آگاهی تعاونی روستاییان دارند. در این مقاله با رویکردی تبیینی - تحلیلی اقدام به مطالعه و تحلیل برخی از مهمترین عوامل، عناصر و شرایط محیطی تأثیرگذار بر شناخت و آگاهی تعاونی روستاییان در استان سمنان پرداخته شده است. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل آزمون فرضیات تحقیق نشان می‌دهد: - رابطه‌ی معنی‌دار آماری در سطح احتمال ۱٪ بین میزان شناخت و آگاهی تعاونی ساکنین مناطق مختلف روستایی و نوع روستای محل سکونت آنها به لحاظ اوضاع طبیعی (روستاهای دشتی، کوهستانی و کوهپایه‌ای) وجود دارد ($Sig=0.000$)؛ - رابطه‌ی معنی‌دار آماری بین میزان شناخت و آگاهی تعاونی ساکنین مناطق مختلف روستایی و نوع روستای محل سکونت آنها به لحاظ ریخت (روستاهای خطی متمرکز و غیرخطی متمرکز) وجود ندارد ($Sig=0.081$)؛ - رابطه‌ی معنی‌دار آماری در سطح احتمال ۱٪ بین میزان شناخت و آگاهی تعاونی ساکنین مناطق مختلف روستایی و مکان‌گزینی روستای محل سکونت آنها (روستاهای مستقر در کنار جاده اصلی و دور از جاده اصلی) وجود دارد ($Sig=0.001$)؛ - بین میزان شناخت و آگاهی تعاونی ساکنین مناطق مختلف روستایی و تعداد جمعیت روستای محل سکونت آنها همبستگی مثبت و خطی در سطح احتمال ۱٪ وجود دارد ($P=0.201$)؛ - بین میزان شناخت و آگاهی تعاونی ساکنین مناطق مختلف روستایی و کیفیت منابع آب کشاورزی روستای محل سکونت آنها همبستگی مثبت و معنی‌دار آماری در سطح احتمال ۱٪ وجود دارد ($P=0.215$)؛ - بین میزان شناخت و آگاهی تعاونی ساکنین مناطق مختلف روستایی و متوسط بارندگی سالانه روستای محل سکونت آنها رابطه‌ی معنی‌دار آماری وجود ندارد. از نتایج تحقیق چنین مستفاد می‌شود که در تهیه و تدوین الگوی بهینه‌ی برنامه‌ریزی ترویج و اطلاع‌رسانی

تعاون به مناطق روستایی، توجه به اصولی چند ضروری است که عبارتند از: اصل جریان دو سویه‌ی اطلاعات، اصل انطباق با شرایط محیطی و جغرافیایی، اصل سازگاری با ویژگی‌های فرهنگی جوامع روستایی، اصل بهره‌گیری از توان نهادهای محلی در برنامه‌های اقدام برای ترویج و اطلاع‌رسانی روستایی، اصل پوشش همگانی (دانستن حق همه است) و اصل پایداری محیطی.

کلیدواژه‌ها: تحلیل، عوامل و شرایط محیطی، شناخت و آگاهی روستاییان، بخش تعاون، سمنان.

مقدمه

در توسعه‌ی پایدار روستایی، تأکید اساسی بر وسیع‌تر نمودن شقوق انتخابی پیش روی مردم (پاپلی‌یزدی و ابراهیمی، ۱۳۸۱: ۴۶)، آشکار کردن آنچه در درون افراد و یا جوامع نهفته است (ارتقاء توانش‌ها، ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های بالقوه‌ی انسانی و محیطی) و تواناسازی ایشان برای سازمان‌یابی در قالب تشکلهای جمعی و از جمله تعاونی‌ها (افتخاری، ۱۳۸۲: ۷)، که عمدتاً در قالب مکانیسم‌های «ظرفیت‌سازی»^۱ و «توانمندسازی»^۲ عینیت می‌یابند، می‌باشد (stein.j, 1997: 8). «دیدگاه توسعه‌ی ظرفیتی»^۳، ایده‌ی کاملتر این مفهوم‌سازی‌ها به‌شمار می‌رود. دیدگاه توسعه‌ی ظرفیتی که بر اساس مفروضات آن، افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها، نهادها و جوامع، توانایی‌های خود را جهت انجام مؤثر، کارآمد و پایدار وظایف و نقش‌های خود و همچنین تعامل با یکدیگر و محیط پیرامون افزایش داده و بهبود می‌بخشند، به عنوان نگرش غالب دیدگاه‌های توسعه و به عنوان یک فکر و ایده که فکر می‌شود درس‌های زیادی از فعالیت‌های توسعه‌ی گذشته گرفته در بین اندیشمندان و سازمان‌های بین‌المللی مربوطه مورد توجه قرار گرفته است (پیربابایی، ۱۳۸۱: ۲، پیربابایی، ۱۳۸۲: ۳).

(Murray. M dunn.L 1995:89-97&Denmark. S. E, 2003 & , Afshar. H,1998)

دیدگاه توسعه‌ی ظرفیتی، در راستای تحقق اهداف توسعه‌ی انسانی پایدار دو انگاره‌ی بدیع «ظرفیت‌سازی» و «توانمندسازی» را مطرح نموده است. مکانیسم‌های توانمندسازی و ظرفیت‌سازی که برای ارتقاء بخشی به توانش‌ها و پتانسیل‌های بالقوه و متروک مانده‌ی انسانی و محیطی افراد و جوامع در جهت رشد و تعالی و تا رسیدن به مرحله‌ی «خودباوری»^۴ و «خوداتکایی»^۵ - نقطه‌ی اوج بالندگی انسانی-، تأکید دارند، از جمله استراتژی‌های ارتقایی محسوب می‌شوند (Narayan.D, 2002: 1-2). در این میان تعاونی‌ها از جمله نهادهایی محسوب می‌شوند که ظرفیت خودباوری و خوداتکایی مردم را ارتقاء می‌بخشند. در واقع دیدگاه توسعه‌ی ظرفیتی، درصدد است تا در قالب دو پارادایم توانمندسازی و ظرفیت‌سازی به حل

1- Capacity Building

2- Empowerment

3- Capacity development approach

۴- خودباوری عبارتست از شناخت توانمندی‌های ذهنی، اخلاقی و ... خود و داشتن این باور که با بکارگیری این توانمندی‌ها می‌توان در جهت رشد خود گام برداشت و موفق شد (علی حمیدی، ۱۳۷۶: ۱۱۹).

۵- خوداتکایی نمودی است از ایمان و اعتقاد شخص به توانش‌های خود (پاپلی‌یزدی و ابراهیمی، ۱۳۸۱: ۱۳۴).

یکی از مشکلات اساسی موجود در سطح خرد، که همان رده‌های فردی و خانوادگی می‌باشد و آن عدم «شناخت محدودیت‌ها»^۱ شناخت محدودیت‌ها یعنی میزان آگاهی انسان از این که، چه قیود یا موانعی، در یک وضعیت خاص، آزادی عمل او را برای تنظیم رفتار خود محدود می‌کنند (ویندال و دیگران، ۱۳۷۶: ۴۴). و نیز عدم شناخت کافی نسبت به توانش‌های بالقوه‌ی خود و محیط پیرامون و از جمله شیوه‌ی فعالیت در تعاونی‌ها در جهت ارضای نیازهاست، مبادرت ورزد.

کیفیت توانایی افراد، در تعیین و شناخت محدودیت‌ها، اولویت‌ها و نیز شناسایی توانش‌های خود و محیط پیرامون، برای نیل به اهداف اولویت‌دار که از آن به «مهارت‌های شناختی» تعبیر می‌شود (انگریگ، ۱۳۷۷: ۳۵) در میزان شناخت و آگاهی (دانایی) آنان از این قضایا نهفته است. از این رو، فراگیری قواعد رفتار خردمندانه در زندگی فردی، اجتماعی و حرفه‌ای و از جمله آشنایی با قابلیت‌های اندیشه‌ی تعاون، کارکرد، اهداف و وظایف ادارات تعاون و نیز نحوه‌ی مشارکت خودجوش و آگاهانه در عضویت، تشکیل و مدیریت تعاونی‌ها باشد، مورد توجه و اتفاق نظر اکثر صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران برنامه‌ریزی و توسعه‌ی روستایی قرار گرفته است. در این راستا، اغلب پارادایم‌های جدید توسعه‌ی پایدار روستایی نیز بر اهمیت نقش آموزش‌های مبتنی بر آگاه‌سازی روستاییان و نیز بر دسترسی برابر افراد روستایی به منابع اطلاعاتی تأکید دارند و راهبرد مناسب برای این منظور را نیز، متفق‌القول رهیافت‌های ترویجی-اطلاع‌رسانی می‌دانند (Baker.H.R,1987:3-4 Ramani.G,1999:2 & Rinkerton.J.R,Glazier.J.D,1993).

با گذشت زمان و طی بررسی‌ها مشخص شد که رهیافت متعارف ترویج و اطلاع‌رسانی روستایی، بویژه رهیافت متعارف ترویج و اطلاع‌رسانی تعاون در مناطق روستایی علیرغم برخی موفقیت‌ها، به دلایل متعدد نتوانسته است، موفقیت چندانی برای روستاییان در پی داشته باشد، چرا که علاوه بر برخی نارسایی‌ها، بومی نبوده، با خصوصیات فرهنگی جوامع روستایی سازگاری نداشته و در تهیه استراتژی‌های ترویجی-اطلاع‌رسانی به ابعاد، عوامل و شرایط محیطی (شرایط جغرافیایی) مناطق مختلف روستایی و... توجه کافی نشده است (فاضل‌نیا، ۱۳۸۴: ۱۴۹-۱۱۱، لهسایی‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۱۶-۱۱۰) لذا بازنگری الگوی فعلی ضروری به نظر می‌رسد. نظر به اینکه تعاونی‌ها پرسابقه‌ترین و در عین حال ناشناخته‌ترین نهادهایی هستند که با حضور خود در روستاها منشأ تأثیرات مثبت و منفی در توسعه‌ی روستایی کشور بوده‌اند، و نیز از آنجا که آگاهی از کم و کیف میزان شناخت و آگاهی روستاییان از آن بخش و تحلیل عوامل مؤثر بر آن و با تأکید بر عوامل محیطی روستاها که تاکنون کمتر در برنامه‌های ترویجی-اطلاع‌رسانی مورد توجه بوده است؛ می‌تواند در اثربخشی برنامه‌های ترویجی-آموزشی این بخش برای مناطق روستایی مثمرتر باشد؛ این تحقیق بر موضوع تعاون متمرکز شده است. بدین ترتیب می‌توان ادعان داشت که این تحقیق ابتدا در پی مطالعه و بررسی کم و کیف میزان

شناخت و آگاهی روستاییان از بخش تعاون که حیطة این شناخت هم شامل: قابلیت‌های اندیشه‌ی تعاون، کارکرد، اهداف و وظایف ادارات تعاون و نیز نحوه‌ی مشارکت خودجوش و آگاهانه روستاییان در عضویت، تشکیل و مدیریت تعاونی‌ها می‌باشد بوده، سپس به تحلیل عوامل و شرایط محیطی مؤثر بر آن در سطح استان مورد مطالعه (سمنان) می‌پردازد.

فرضیات تحقیق

فرضیه‌ی اصلی

بین میزان شناخت و آگاهی روستاییان ساکن در نقاط مختلف روستایی استان سمنان از بخش تعاون و عوامل محیطی روستای محل سکونت آنها رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.

فرضیات فرعی

فرضیه‌ی فرعی اول: بین میزان شناخت و آگاهی روستاییان ساکن در نقاط مختلف روستایی استان سمنان از بخش تعاون و نوع روستای محل سکونت آنها از لحاظ اوضاع طبیعی، رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.

فرضیه‌ی فرعی دوم: بین میزان شناخت و آگاهی روستاییان ساکن در نقاط مختلف روستایی استان سمنان از بخش تعاون و نوع روستای محل سکونت آنها از لحاظ ریخت رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.

فرضیه‌ی فرعی سوم: بین میزان شناخت و آگاهی روستاییان ساکن در نقاط مختلف روستایی استان سمنان از بخش تعاون و مکان‌گزینی (انزوای جغرافیایی) روستای محل سکونت آنها رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.

فرضیه‌ی فرعی چهارم: بین میزان شناخت و آگاهی روستاییان ساکن در نقاط مختلف روستایی استان سمنان از بخش تعاون و تعداد جمعیت روستای محل سکونت آنها رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.

فرضیه‌ی فرعی پنجم: بین میزان شناخت و آگاهی روستاییان ساکن در نقاط مختلف روستایی استان سمنان از بخش تعاون و پتانسیل‌های بالقوه محیطی (کیفیت خاک کشاورزی روستای محل سکونت آنها) رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.

فرضیه‌ی فرعی ششم: بین میزان شناخت و آگاهی روستاییان ساکن در نقاط مختلف روستایی استان سمنان از بخش تعاون و پتانسیل‌های بالقوه محیطی (کیفیت منابع آب کشاورزی روستای محل سکونت آنها) رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.

فرضیه‌ی فرعی هفتم: بین میزان شناخت و آگاهی روستاییان ساکن در نقاط مختلف روستایی استان سمنان از بخش تعاون و پتانسیل‌های بالقوه محیطی (میزان متوسط بارندگی سالیانه روستای محل سکونت آنها) رابطه‌ی معنی‌داری وجود دارد.

نحوه‌ی سنجش متغیرهای اساسی تحقیق

الف- میزان شناخت و آگاهی روستاییان از بخش تعاون

تعریف عملیاتی متغیر شناخت و آگاهی روستاییان از بخش تعاون به شرح ذیل بیان می‌شود: «شناخت و آگاهی روستاییان از بخش تعاون عبارتست از میزان معلومات، اطلاعات و آشنایی که روستاییان از بخش تعاون (شامل: قابلیت‌های اندیشه تعاون، کارکرد، اهداف و وظایف ادارات تعاون و نیز نحوه مشارکت خودجوش و آگاهانه افراد در عضویت، تشکیل و مدیریت تعاونی‌ها) دارند». در این تحقیق به منظور ارزیابی و سنجش میزان شناخت و آگاهی روستاییان ساکن در نقاط مختلف روستایی استان سمنان از بخش تعاون به ترتیب زیر عمل شد.

الف- تعیین دامنه‌ی موضوعات مرتبط با تعاون در حیطه‌های ۱- کلیات، ۲- قابلیت‌ها و مزایای اندیشه‌ی تعاون ۳- نحوه‌ی مشارکت خودجوش و آگاهانه‌ی افراد در عضویت، تشکیل و مدیریت تعاونی‌ها ۴- کارکرد و وظایف ادارات تعاون. برای این منظور علاوه بر مطالعه متون مربوطه، از نقطه نظرات کارشناسان معاونت تحقیقات، آموزش و ترویج وزارت تعاون نیز استفاده شده است. ب- پس از جمع آوری نقطه نظرات کارشناسان ذیربط و نیز استخراج مطالب مرتبط از متون موجود، تعداد زیادی معرف شناخت و آگاهی از بخش تعاون مشخص شد. در یک جمع‌بندی تعداد ۳۵ معرف که می‌بایست در قالب گویه‌های ابزار سنجش میزان شناخت و آگاهی روستاییان از بخش تعاون استفاده شوند، برگزیده شد.

ج- تهیه‌ی گویه‌های مناسب: در این مرحله معرف‌های مشخص شده جمع‌بندی شد و تعداد ۳۵ مورد آنها در قالب گویه‌های درست و غلط در پرسشنامه‌ای جداگانه درج و در مقابل هرگویه سه گزینه «صحیح است»، «غلط است» و «نمی‌دانم» قرار داده شد. پاسخ «صحیح است» یا «نمی‌دانم» به گویه‌های غلط بیانگر عدم شناخت و آگاهی فرد در آن مورد قلمداد شده است و برعکس. در تجزیه و تحلیل نهایی نمره‌ی میزان شناخت و آگاهی روستاییان ساکن در نقاط مختلف روستایی استان سمنان در سه طیف طبقه‌بندی شدند که عبارتند از: ۱- سطح شناخت و آگاهی کم (نمره کمتر از ۱۱)، ۲- سطح شناخت و آگاهی متوسط (نمره بین ۱۲ تا ۲۳)، ۳- سطح شناخت و آگاهی بالا (نمره بین ۲۴ تا ۳۵).

ب- عوامل و شرایط محیطی مؤثر بر میزان شناخت و آگاهی روستاییان از بخش تعاون در ارتباط با تأثیر عوامل محیطی بر کیفیت دسترسی و کسب اطلاعات افراد و از آن طریق بر میزان شناخت و آگاهی ایشان از پدیده‌های مختلف و از جمله از بخش تعاون، متغیرهای متفاوتی متصور است که در این تحقیق برخی از مهمترین آنها به عنوان متغیرهای وابسته مورد توجه قرار گرفته‌اند که عبارتند از: ۱- نوع روستا از لحاظ اوضاع طبیعی (روستاهای دشتی، کوهستانی و کوهپایه‌ای). ۲- نوع روستا از لحاظ ریخت (روستای خطی متمرکز و روستای غیرخطی متمرکز). ۳- محل استقرار روستا (در کنار جاده اصلی یا دور از جاده اصلی). ۴- جمعیت روستا. ۵- وجود پتانسیل محیطی (کیفیت منابع آب کشاورزی). ۶- وجود پتانسیل محیطی (کیفیت خاک کشاورزی). ۷- وجود پتانسیل محیطی (میزان متوسط بارندگی سالانه).

روش گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها

نوع تحقیق: این تحقیق از جنبه‌ی هدف، کاربردی است، زیرا در پی توسعه‌ی دانش کاربردی جهت بهینه‌سازی یک روال در یک زمینه‌ی خاص است. از جنبه‌ی جمع‌آوری داده‌ها نیز، این تحقیق از نوع تحقیقات پیمایشی است.

واحد و سطح تحلیل: واحد تحلیل این تحقیق سرپرستان خانوار ساکن در نقاط روستایی استان سمنان است.

جامعه‌ی آماری: شامل سرپرستان خانوارهای ساکن در نقاط روستایی با بیش از ۲۰ خانوار استان سمنان. براساس برآورد به‌عمل آمده، تعداد کل خانوار روستاهای استان سمنان ۳۵۵۲۳ خانوار می‌باشند که از این تعداد، ۳۳۶۲۳ خانوار در نقاط روستایی با بیش از ۲۰ خانوار ساکن هستند.

روش نمونه‌گیری، تعیین حجم نمونه و گردآوری داده‌ها: برای تعیین حجم نمونه سرپرستان خانوار ساکن در نقاط روستایی بالای ۲۰ خانوار استان سمنان از فرمول کوچران استفاده و در نهایت تعداد حجم نمونه سرپرستان خانوار ۳۹۰ نفر تعیین گردید. پس از تعیین حجم نمونه سرپرستان خانوار (۳۹۰ نفر)، نوبت به تعیین حجم روستاهای نمونه می‌رسد. نظر به پراکندگی و گستردگی سطح مطالعه بنا شد از بین مجموع روستاهای بالای ۲۰ خانوار استان، تعداد ۳۰ روستا به نحوی انتخاب شوند که هم توزیع مناسبی نسبت به مراکز شهرستان‌ها داشته باشند و هم متناسب با سهم و درصد فراوانی هرکدام از تیپ روستاهای دشتی، کوهستانی و کوهپایه (سه تیپ غالب روستاهای استان سمنان) که خود از جمله متغیرهای مورد بررسی تحقیق به شمار می‌روند، باشند. برای این منظور ابتدا فراوانی تیپ روستاهای دشتی، کوهستانی و کوهپایه‌ای استان مشخص گردید. سپس از طریق نمونه‌گیری احتمالی طبقه‌بندی شده سهم هرکدام از تیپ روستاهای فوق از مجموع ۳۰ روستای نمونه مشخص گردید. براساس برآورد به

عمل آمده سهم هر کدام از تیپ روستاهای فوق از ۳۰ روستای نمونه عبارت بود از: روستاهای دشتی ۱۴ روستا (۵۰٪)، روستاهای کوهستانی ۱۲ روستا (۳۶٪)، روستاهای کوهپایه ۴ روستا (۱۴٪). پس از تعیین سهم هر تیپ روستا از تعداد ۳۰ روستای نمونه، با استفاده از نقشه‌ی طبیعی و سیاسی استان، اقدام به انتخاب روستاهای نمونه گردید. در این مقطع پس از تعیین فواصل صفر تا ۲۰، ۲۰ تا ۴۰ و بالاتر از ۴۰ کیلومتر به مرکزیت هر کدام از شهرستان‌های استان، اقدام به انتخاب روستاهای نمونه‌ی متناسب با فواصل فوق و نیز اوضاع طبیعی آنها گردید. از آنجا که تعداد حجم نمونه سرپرستان خانوار ۳۹۰ نمونه و نیز مقدار حجم روستاهای نمونه ۳۰ روستا برآورد گردید، سهم هر روستای نمونه از ۳۹۰ نمونه سرپرست خانوار، ۱۳ نمونه برآورد شد. بدین ترتیب با مراجعه به هر کدام از روستاهای نمونه از طریق نمونه‌گیری تصادفی ساده به تعداد ۱۳ نفر از سرپرستان خانوار ساکن در آن روستا مراجعه و اقدام به پرکردن پرسشنامه گردید. پرسشنامه مربوط به روستا فقط توسط یکی از اعضای شورای اسلامی روستا تکمیل شده است.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات: به منظور آزمون فرضیات و تحلیل آماری داده‌ها، با عنایت به سطح سنجش متغیرها، از انواع آزمون‌های آماری معناداری روابط، همچون آزمون Duncan و t_test و همبستگی (پیرسون و رواسپیرمن) استفاده شد.

آزمون فرضیات

پیش‌درآمد: به منظور سنجش میزان شناخت و آگاهی افراد نمونه با استفاده از نظرات کارشناسان و متون مربوطه تعداد ۳۵ سؤال پیرامون کلیات، قابلیت‌های اندیشه‌ی تعاون، نحوه‌ی مشارکت خودجوش و آگاهانه روستاییان در عضویت، تشکیل و مدیریت تعاونی‌ها و نیز کارکرد، اهداف و وظایف ادارات تعاون طراحی گردید. از افراد نمونه خواسته شد تا در مقابل هر سؤال، گزینه‌ی صحیح است یا غلط است یا نمی‌دانم را انتخاب نمایند. بدین ترتیب میزان شناخت و آگاهی ایشان از بخش تعاون مشخص شد.

پس از جمع‌بندی و تحلیل آماری پاسخ‌ها مشخص شد که بیش از ۹۰ درصد افراد نمونه دارای شناخت متوسط و کم از بخش تعاون بوده‌اند. در واقع نتایج حاصل از تحلیل فوق نشان می‌دهد که میزان شناخت و آگاهی روستاییان ساکن در نقاط مختلف روستایی استان سمنان از بخش تعاون متفاوت است. (جدول ۱).

جدول ۱: توزیع فراوانی میزان شناخت و آگاهی پاسخگویان از بخش تعاون

شرح	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
شناخت کم (نمره کمتر از ۱۱)	۱۱۷	۳۰/۱	۳۰/۱
شناخت متوسط (نمره بین ۱۲ تا ۲۳)	۲۴۳	۶۲/۳	۹۲/۴
شناخت بالا (نمره بین ۲۳ تا ۳۵)	۳۰	۷/۷	۱۰۰/۰
جمع	۳۹۰	۱۰۰/۰	—

فرضیه‌ی فرعی اول

نظر به اینکه برای مقایسه‌ی میانگین بیش از دو گروه از تجزیه واریانس استفاده می‌شود، لذا برای آزمون این فرضیه از آزمون تجزیه‌ی واریانس چند دامنه‌ای Duncan استفاده شده است. نتایج حاصل از تجزیه‌ی واریانس نشان می‌دهد، (جدول ۲) تفاوت معنی‌دار آماری در سطح احتمال ۱٪ بین میزان شناخت و آگاهی تعاونی ساکنین روستاهای دشتی، کوهستانی و کوهپایه‌ای وجود دارد (sig = .000). بدین ترتیب فرضیه‌ی (H_0) مبنی بر عدم وجود تفاوت معنی‌دار بین میزان شناخت و آگاهی روستاییان در مناطق مختلف روستایی استان سمنان از بخش تعاون و نوع روستای محل سکونت آنها به لحاظ اوضاع طبیعی (دشتی، کوهستانی و کوهپایه‌ای) رد می‌شود. این بدان معنی است که فرضیه‌ی تحقیق تأیید می‌گردد.

جدول ۲: تجزیه‌ی واریانس میزان شناخت و آگاهی تعاونی ساکنین نواحی مختلف روستایی استان سمنان بر حسب نوع روستای محل سکونت به لحاظ اوضاع طبیعی

Sig	میانگین مربعات MS	درجه آزادی df	منابع تغییرات S.O.V
/۰۰۰	۲۷۱/۵۵۹	۲	بخش‌ها
—	۲۹/۱۲۷	۳۸۷	درون بخش‌ها
—	—	۳۸۹	کل

با این وجود مقایسه میانگین‌های میزان شناخت و آگاهی تعاونی روستاییان ساکن در روستاهای مختلف به لحاظ اوضاع طبیعی نشان می‌دهد، (جدول ۳)، که ساکنین روستاهای کوهپایه‌ای دارای میزان شناخت و آگاهی تعاونی کمتری (۱۲) نسبت به ساکنان روستاهای کوهستانی و دشتی (به ترتیب ۱۴/۱۰۴۹ و ۱۵/۵۰۲۶) می‌باشند. و ساکنین روستاهای مذکور (کوهستانی و دشتی) در سطح احتمال ۵٪ با یکدیگر تفاوت معنادار آماری از نظر میزان شناخت و آگاهی تعاونی نداشته‌اند.

جدول ۳: مقایسه‌ی میانگین میزان شناخت و آگاهی تعاونی ساکنین نواحی مختلف روستایی استان سمنان بر حسب نوع روستا به لحاظ اوضاع طبیعی

نوع روستا به لحاظ اوضاع طبیعی	تعداد	میانگین شناخت و آگاهی تعاونی **	انحراف معیار
دشتی	۱۹۵	۱۵/۵۰۲۶B	۵/۶۵۳۵
کوهستانی	۱۴۳	۱۴/۱۰۴۹ B	۵/۳۲۶۹
کوهپایه	۵۲	۱۲/۰۰۰۰A	۴/۵۲۰۱
جمع	۳۹۰	۱۴/۵۲۳۱	۵/۵۱۱۲

** میانگین‌های دارای حداقل یک حرف مشترک، اختلاف معنی‌دار با یکدیگر ندارند.

تحلیل: نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل آماری نشان داد، تفاوت معناداری بین میزان شناخت و آگاهی تعاونی ساکنین سه گروه روستای دشتی، کوهستانی و کوهپایه‌ای وجود دارد. مقایسه‌ی میانگین میزان شناخت و آگاهی تعاونی افراد ساکن در روستاهای فوق نیز این قضیه را تأیید کرد. نتایج نشان داد، میانگین میزان شناخت و آگاهی تعاونی ساکنین روستاهای دشتی ۱۵/۱، کوهستانی ۱۴/۱ و کوهپایه ۱۲ بوده است. بنابراین میزان شناخت و آگاهی تعاونی ساکنین روستاهای دشتی به مراتب بیشتر از میزان شناخت و آگاهی تعاونی ساکنین دو تیپ روستای دیگر می‌باشد.

نظر به اینکه قلمروهای دشتی استان سمنان که روستاهای نوع دشتی نیز عمدتاً در این قلمرو استقرار یافته‌اند، فضاهای هموار بخش میانی استان که شهرهای عمده‌ی شهرستان نیز در آن قرار دارند را در برمی‌گیرد، این مسأله که دسترسی سهل و آسان ساکنین روستاهای دشتی را به کانون‌های شهری تسهیل می‌کند، و نیز برخورداری از شرایط مناسب زیستی-فعالیتی، جایگاه مناسبی برای تمرکز کانون‌های جمعیتی فراهم می‌آورد. لذا ساکنین اینگونه روستاها، در کسب اطلاعات و نوآوری‌ها از شرایط بهتری نسبت به ساکنین دو تیپ روستای دیگر برخوردارند. و این مسأله در میزان شناخت و آگاهی آنها از مقولات مختلف و از جمله بخش تعاون بی‌تأثیر نبوده است.

فرضیه‌ی فرعی دوم

نظر به اینکه برای مقایسه‌ی میانگین بین دو گروه عمدتاً از آزمون independent samplt (t-test) استفاده می‌شود، لذا برای آزمون این فرضیه از آزمون فوق استفاده شده است. مقایسه‌ی میانگین‌های میزان شناخت و آگاهی تعاونی روستاییان ساکن در دو گروه روستای متمرکز خطی و متمرکز غیرخطی در آزمون t بیانگر این واقعیت است که میانگین میزان شناخت و آگاهی تعاونی ساکنین روستاهای متمرکزخطی (۱۵/۰۴۴) کمی بیشتر از میانگین

میزان شناخت و آگاهی تعاونی ساکنین روستاهای متمرکز غیرخطی (۱۴/۰۶۷۳) می‌باشد. با این وجود آزمون معنی‌داری این تفاوت میانگین را معنی‌دار نشان نمی‌دهد (جدول ۴). توضیح: نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل آزمون T نشان می‌دهد، سطح معناداری F در حد قابل قبولی نیست^۱ (Sig=۰/۹۶۲). و لذا غیر معنی‌دار بودن آماره F در آزمون T نشان‌دهنده‌ی همگن بودن واریانس بین میزان شناخت و آگاهی تعاونی ساکنین دو گروه روستاهای متمرکز خطی و متمرکز غیرخطی می‌باشد. بنابراین فرض نابرابری واریانس‌ها رد می‌شود و ما با فرض برابری واریانس‌ها سر و کار داریم. در چنین حالاتی برای مقایسه‌ی میانگین‌ها از سطر بالای جدول مقایسه میانگین‌ها (فرض برابری واریانس‌ها) استفاده می‌شود.

با فرض برابری واریانس‌ها، نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل آزمون T، تفاوت بین میزان شناخت و آگاهی تعاونی روستاییان ساکن در دو گروه روستای متمرکز خطی و متمرکز غیرخطی را معنی‌دار نشان نمی‌دهد (Sig=۰/۰۸۱). (جدول ۵) بنابراین نتیجه می‌گیریم که در سطح اطمینان ۹۵٪ رابطه‌ی معناداری بین میزان شناخت و آگاهی تعاونی ساکنین دو گروه روستاهای متمرکز خطی و متمرکز غیرخطی وجود ندارد. و لذا فرضیه (H_0) مبنی بر عدم وجود رابطه‌ی معنادار بین میزان شناخت و آگاهی ساکنین مناطق روستایی استان سمنان از بخش تعاون و نوع روستای محل سکونت آنها از نظر ریخت (متمرکز خطی و متمرکز غیرخطی) تأیید می‌شود. این بدان معنی است که فرضیه تحقیق (H_1) رد می‌شود.

جدول ۴: میانگین میزان شناخت و آگاهی تعاونی ساکنین نواحی روستایی استان سمنان

بر حسب نوع روستای محل سکونت از لحاظ ریخت

میزان شناخت و آگاهی تعاونی - نوع روستای محل سکونت از لحاظ ریخت	تعداد افراد هر نمونه از هر روستا	میانگین شناخت و آگاهی تعاونی	انحراف معیار	خطای معیار میانگین
روستای متمرکز خطی	۱۸۲	۱۵/۰۴۴۰	۵/۴۶۵۹	۰/۱۰۵۲
روستای متمرکز غیرخطی	۲۰۸	۱۴/۰۶۷۳	۵/۵۲۳۴	۰/۳۸۳۰
جمع	۳۹۰	-	-	-

۱- در آزمون $T-TEST$ ابتدا سطح معناداری F را مورد ملاحظه قرار می‌دهیم. چنانچه سطح معناداری آن کوچکتر و یا مساوی ۰/۰۵ بود ($SingF \leq 0/05$) بود، در این صورت فرض تفاوت واریانس‌ها تأیید می‌شود. (یعنی فرض تفاوت واریانس‌های دو گروه معنی‌دار است). بنابراین در آزمون T با فرض نابرابری واریانس‌ها سرو کار داریم و برعکس.

جدول ۵: نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل آزمون T برای مقایسه‌ی میانگین‌های میزان شناخت و آگاهی ساکنین نواحی روستایی استان سمنان بر حسب نوع روستای محل سکونت به لحاظ ریخت

تفاوت خطای معیار	تفاوت میانگین	معناداری دو دامنه	Df درجه آزادی	t	سطح معناداری	F	میزان شناخت و آگاهی تعاونی - نوع روستای محل سکونت از لحاظ ریخت
۰/۵۵۷۹	۰/۹۷۶۶	۰/۰۸۱	۳۸۸	۱/۷۵۱	۰/۹۶۲	۰/۰۰۲	با فرض برابری واریانس‌ها
۰/۵۵۷۵	۰/۹۷۶۶	۰/۰۸۱	۳۸۲/۱۶۷	۱/۷۵۲	-	-	با فرض نابرابری واریانس‌ها

تحلیل: نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل آماری نشان می‌دهد که میانگین میزان شناخت و آگاهی تعاونی ساکنین روستاهای متمرکز خطی (۱۵/۰۴) کمی بیشتر از میانگین میزان شناخت و آگاهی تعاونی ساکنین روستاهای متمرکز غیرخطی (۱۴/۰۶) می‌باشد که البته میزان تفاوت فوق چندان زیاد نیست. در تحلیل موضوع فوق شاید بتوان، عامل عبور جاده‌های ارتباطی در بین روستاهای نوع متمرکز خطی را به عنوان مهمترین عامل بیشتر بودن میانگین شناخت و آگاهی تعاونی ساکنین روستاهای فوق قلمداد نمود. با این فرض که عبور جاده‌های ارتباطی در میان روستاهای متمرکز خطی دسترسی ساکنین آن را به کانون‌های شهری تسهیل نموده و لذا میزان شناخت و آگاهی تعاونی آنان بیشتر از میزان شناخت و آگاهی تعاونی ساکنین روستاهای متمرکز غیرخطی بوده است.

فرضیه‌ی فرعی سوم

نظر به اینکه برای مقایسه‌ی میانگین بین دو گروه عمدتاً از آزمون t-test استفاده می‌شود، لذا برای آزمون این فرضیه از آزمون فوق استفاده شده است. مقایسه‌ی میانگین‌های میزان شناخت و آگاهی تعاونی روستاییان ساکن در دو گروه روستاهای مستقر در کنار جاده‌ی اصلی یا دور از جاده اصلی در آزمون T بیانگر این واقعیت است که میانگین میزان شناخت و آگاهی تعاونی ساکنین روستاهای مستقر در کنار جاده‌ی اصلی (۱۶/۲۰۸۸) بیشتر از میزان شناخت و آگاهی تعاونی ساکنین روستاهای دور از جاده‌ی اصلی (۱۴/۰۱۰۰) می‌باشد و لذا آزمون معنی‌داری این تفاوت میانگین را معنی‌دار نشان می‌دهد (جدول ۶).

توضیح: نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل آزمون T نشان می‌دهد، (جدول ۷) سطح معناداری F در حد قابل قبولی نیست. (Sig=821) و لذا غیرمعنی‌دار بودن آماره F در آزمون T نشان‌دهنده‌ی همگن بودن واریانس بین میزان شناخت و آگاهی تعاونی ساکنین دو گروه روستاهای مستقر در کنار جاده‌ی اصلی و دور از جاده‌ی اصلی می‌باشد. بنابراین فرض نابرابری

واریانس‌ها رد می‌شود و ما با فرض برابری واریانس‌ها سر و کار داریم. در چنین حالاتی برای مقایسه‌ی میانگین‌ها از سطر بالای جدول مقایسه میانگین‌ها (فرض برابری واریانس‌ها) استفاده می‌شود. با فرض برابری واریانس‌ها، نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل آزمون T ، تفاوت بین میزان شناخت و آگاهی تعاونی روستاییان ساکن در دو گروه روستای مستقر در کنار جاده اصلی و دور از جاده اصلی را معنی‌دار نشان می‌دهد ($Sig=001$). بنابراین نتیجه می‌گیریم که در سطح احتمال ۹۹٪ رابطه‌ی معناداری بین میزان شناخت و آگاهی تعاونی ساکنین دو گروه روستاهای مستقر در کنار جاده اصلی و دور از جاده اصلی وجود دارد. و لذا فرضیه (H_0) مبنی بر عدم وجود رابطه‌ی معنادار بین میزان شناخت و آگاهی روستاییان ساکن در نقاط مختلف روستایی استان سمنان از بخش تعاون و مکان‌گزینی (استقرار روستا در کنار جاده اصلی یا دور از جاده اصلی) روستای محل سکونت آنها رد می‌شود. این بدان معنی است که فرضیه‌ی تحقیق (H_1) تأیید می‌شود.

جدول ۶: میانگین میزان شناخت و آگاهی تعاونی روستاییان استان سمنان بر حسب مکان‌گزینی روستا

خطای معیار میانگین	انحراف معیار	میانگین شناخت و آگاهی تعاونی	تعداد افراد هر نمونه از هر نوع روستا	میزان شناخت و آگاهی تعاونی - محل استقرار روستا
۰/۵۸۷۵	۵/۶۰۴۶	۱۶/۲۰۸۸	۹۱	در کنار جاده اصلی
۰/۳۱۱۶	۵/۳۸۸۰	۱۴/۰۱۰۰	۲۹۹	دور از جاده اصلی
-	-	-	۳۹۰	جمع

جدول ۷: نتایج تجزیه و تحلیل آزمون T برای مقایسه میانگین‌های میزان شناخت و آگاهی تعاونی روستاییان استان سمنان بر حسب مکان‌گزینی روستای محل سکونت

تفاوت خطای معیار	تفاوت میانگین	معناداری دو دامنه	Df درجه آزادی	T	سطح معناداری	F	میزان شناخت و آگاهی تعاونی - محل استقرار روستا
۰/۶۵۱۲	۲/۱۹۸۸	۰/۰۰۱	۳۸۸	۳/۳۷۷	۰/۸۲۱	۰/۰۵۱	با فرض برابری واریانس‌ها
۰/۶۶۵۰	۲/۱۹۸۸	۰/۰۰۱	۱۴۴/۳۰۲	۳/۳۰۶	-	-	با فرض نابرابری واریانس‌ها

فرضیه‌ی فرعی چهارم

نظر به اینکه در مواردی که سطح سنجش متغیر مستقل و وابسته تحقیق هر دو نسبتی و یا فاصله‌ای باشند از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود و این مورد در خصوص فرضیه فوق صدق میکند، لذا به منظور تجزیه و تحلیل آماری این فرضیه از آزمون ضریب

همبستگی پیرسون استفاده شده است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۰: ۲۱۰). نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل آزمون ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد: (جدول ۸) بین میزان شناخت و آگاهی-روستاییان ساکن در نقاط مختلف روستایی استان سمنان از بخش تعاون و تعداد جمعیت روستای محل سکونت آنها همبستگی مثبت و خطی (مقدار ضریب همبستگی = $P=۰.۲۰۱$) و در سطح احتمال ۱٪ وجود دارد. این بدان مفهوم است که با افزایش تعداد جمعیت روستای محل سکونت، میزان شناخت و آگاهی تعاونی ساکنین آن نیز افزایش می‌یابد. بدین ترتیب فرضیه‌ی صفر (H_0) مبنی بر عدم وجود رابطه‌ی معنادار بین میزان شناخت و آگاهی روستاییان ساکن در نقاط مختلف روستایی استان سمنان از بخش تعاون و تعداد جمعیت روستای محل سکونت آنها رد می‌شود. یعنی فرضیه‌ی تحقیق مبنی بر وجود رابطه‌ی معنی‌دار بین دو مقوله‌ی فوق پذیرفته می‌شود.

فرضیه‌ی فرعی پنجم

نظر به اینکه از آزمون رو^۱ یا ضریب همبستگی اسپیرمن^۲ زمانی استفاده می‌شود که داده‌ها از نوع رتبه‌ای باشند و نیز اندازه‌ی متغیرها به صورت رتبه‌ای تنظیم شده باشند و این مسأله در مورد فرضیه‌ی فوق صدق می‌کند، لذا برای تجزیه و تحلیل فرضیه‌ی فوق از آزمون رو یا ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۰: ۲۱۰).

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل آزمون رو یا ضریب همبستگی اسپیرمن نشان می‌دهد: (جدول ۸) بین میزان شناخت و آگاهی روستاییان ساکن در نقاط مختلف روستایی استان سمنان از بخش تعاون و کیفیت خاک کشاورزی روستای محل سکونت آنها رابطه‌ی معنی‌دار آماری وجود ندارد. بدین ترتیب فرضیه‌ی صفر (H_0) مبنی بر عدم وجود رابطه‌ی معنادار بین میزان شناخت و آگاهی روستاییان ساکن در نقاط مختلف روستایی استان سمنان از بخش تعاون و کیفیت خاک کشاورزی روستای محل سکونت آنها پذیرفته می‌شود. و لذا فرضیه‌ی تحقیق (H_1) مبنی بر وجود رابطه‌ی معنی‌دار بین دو مقوله فوق رد می‌شود.

تحلیل: وجود منابع و پتانسیل‌های بالقوه محیطی و از جمله خاک کشاورزی مناسب، در قلمرو سکونت و فعالیت، تا حدود زیادی نوع فعالیت‌های اقتصادی انسان‌های ساکن در آن قلمرو را تعیین و هدایت می‌کند. لذا می‌توان گفت وجود پتانسیل‌های محیطی مناسب، به همان اندازه که القا بخش انگیزه‌ی فعالیت است، به همان اندازه نیز نبود ویا ناکافی بودن آن ضایع‌کننده، و مخل تحرک و پویایی است. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت، در آن دسته از نواحی روستایی

که شرایط و پتانسیل‌های بالقوه محیطی مناسبی برای فعالیت‌های مختلف وجود دارد، ساکنین آن نواحی نیز انگیزش بیشتری برای جستجوی منابع اطلاعاتی به منظور بهره‌برداری اصولی، علمی و بهینه از آن منابع، نسبت به ساکنین نواحی روستایی که فاقد چنین پتانسیل‌هایی هستند، دارند. لذا در این ارتباط می‌توان گفت، در قلمروهای روستایی استان سمنان مشکل عمده محیطی نبود و ناکافی بودن خاک کشاورزی نبوده است، بلکه مشکل عمده محیطی در قلمروهای روستایی استان سمنان آب کشاورزی بوده است. و لذا متغیر کیفیت خاک کشاورزی روستا در میزان شناخت و آگاهی ایشان از بخش تعاون تأثیری نداشته است.

فرضیه‌ی فرعی ششم

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل آزمون رو یا ضریب همبستگی اسپیرمن نشان می‌دهد، (جدول ۸) بین میزان شناخت و آگاهی روستاییان ساکن در نقاط مختلف روستایی استان سمنان از بخش تعاون و کیفیت منابع آب کشاورزی روستای محل سکونت آنها همبستگی معنی‌دار آماری در سطح احتمال ۱٪ وجود دارد (مقدار ضریب همبستگی = $P=۰.۰۲۱۵$). این بدان مفهوم است که با افزایش کیفیت منابع آب کشاورزی روستای محل سکونت، میزان شناخت و آگاهی تعاونی ساکنین آن نیز افزایش می‌یابد. بدین ترتیب فرضیه‌ی صفر (H_0) مبنی بر عدم وجود رابطه‌ی معنادار بین میزان شناخت و آگاهی روستاییان ساکن در نواحی مختلف روستایی استان سمنان و کیفیت منابع آب کشاورزی روستای محل سکونت آنها، رد می‌شود و در مقابل فرضیه‌ی تحقیق (H_1) مبنی بر وجود رابطه‌ی معنی‌دار آماری بین دو مقوله فوق پذیرفته می‌شود.

فرضیه فرعی هفتم

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل آزمون ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد، (جدول ۸)، بین میزان شناخت و آگاهی روستاییان ساکن در نقاط مختلف روستایی استان سمنان از بخش تعاون و میزان بارندگی متوسط سالیانه روستای محل سکونت آنها رابطه‌ی معنی‌دار آماری وجود ندارد. بدین ترتیب فرضیه صفر (H_0) مبنی بر عدم وجود رابطه‌ی معنادار بین میزان شناخت و آگاهی روستاییان ساکن در نقاط مختلف روستایی استان سمنان از بخش تعاون و میزان بارندگی متوسط سالیانه روستای محل سکونت آنها پذیرفته می‌شود و لذا فرضیه‌ی تحقیق مبنی بر وجود رابطه‌ی معنی‌دار بین دو مقوله‌ی فوق رد می‌شود.

تحلیل: نظر به اینکه استان سمنان به سبب قرار گرفتن در کمربند بیابانی جهان، در زمره‌ی اقلیم خشک کشور محسوب می‌گردد و نیز میزان متوسط بارندگی سالیانه‌ی نزولات آسمانی

در سطح این استان ۱۴۴ میلی لیتر می باشد، لذا پایین بودن میزان متوسط بارندگی سالیانه وجه مشترک رژیم بارش اکثر روستاهای استان سمنان می باشد. از این رو شاید بتوان گفت، علت عدم تأثیر متغیر میزان متوسط بارندگی سالیانه روستا بر میزان شناخت و آگاهی تعاونی ساکنین آنها، عدم تفاوت چشمگیر میزان متوسط بارندگی سالیانه روستاهای استان بوده است که این مسأله در تجزیه و تحلیل آماری در حد معناداری تشخیص داده نشده است.

جدول ۸: نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل آزمون فرضیات همبستگی (فرضیات فرعی چهارم تا هفتم)

شماره فرضیه	متغیر ۱	مقیاس	متغیر ۲	مقیاس	تعداد	نوع ضریب همبستگی	مقدار ضریب همبستگی	سطحی معنی داری	نتیجه آزمون
فرضیه فرعی چهارم	میزان شناخت و آگاهی تعاونی روستاییان	فاصله ای	تعداد جمعیت روستای محل سکونت	نسبتی	۳۹۰	پیرسون	۰/۲۰۱	** /۰۰۰	+
فرضیه فرعی پنجم	میزان شناخت و آگاهی تعاونی روستاییان	فاصله ای	کیفیت خاک کشاورزی روستا	ترتیبی	۳۹۰	رواسپیرمن	۰/۰۴۰	۰/۴۲۸	-
فرضیه فرعی ششم	میزان شناخت و آگاهی تعاونی روستاییان	فاصله ای	کیفیت منابع آب کشاورزی روستا	ترتیبی	۳۹۰	رواسپیرمن	۰/۲۱۵	** /۰۰۰	+
فرضیه فرعی هفتم	میزان شناخت و آگاهی تعاونی روستاییان	فاصله ای	میزان بارندگی متوسط سالیانه	نسبتی	۳۹۰	پیرسون	۰/۰۸۸	۰/۰۸۱	-

** در سطح معنی داری ۰/۰۰۱

نتایج

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل آزمون فرضیات تحقیق نشان می دهد:

- رابطه ی معنی دار آماری در سطح احتمال ۰/۰۰۱ بین میزان شناخت و آگاهی تعاونی ساکنین مناطق مختلف روستایی و نوع روستای محل سکونت آنها به لحاظ اوضاع طبیعی (روستاهای دشتی، کوهستانی و کوهپایه ای) وجود دارد (Sig=۰/۰۰۰)؛
- رابطه ی معنی دار آماری بین میزان شناخت و آگاهی تعاونی ساکنین مناطق مختلف روستایی و نوع روستای محل سکونت آنها به لحاظ ریخت (روستاهای خطی متمرکز و غیر خطی متمرکز) وجود ندارد (Sig=۰/۰۸۱)؛

- رابطه‌ی معنی‌دار آماری در سطح احتمال ۰.۱٪ بین میزان شناخت و آگاهی تعاونی ساکنین مناطق مختلف روستایی و مکان‌گزینی روستای محل سکونت آنها (روستاهای مستقر در کنار جاده اصلی و دور از جاده اصلی) وجود دارد (Sig =/۰.۰۱)؛
 - بین میزان شناخت و آگاهی تعاونی ساکنین مناطق مختلف روستایی و تعداد جمعیت روستای محل سکونت آنها همبستگی مثبت و خطی در سطح احتمال ۰.۱٪ وجود دارد (P=۰.۲۰۱)؛
 - بین میزان شناخت و آگاهی تعاونی ساکنین مناطق مختلف روستایی و کیفیت خاک کشاورزی روستای محل سکونت آنها رابطه معنی‌دار آماری وجود ندارد؛
 - بین میزان شناخت و آگاهی تعاونی ساکنین مناطق مختلف روستایی و کیفیت منابع آب کشاورزی روستای محل سکونت آنها همبستگی مثبت و معنی‌دار آماری در سطح احتمال ۰.۱٪ وجود دارد (P=۰.۲۱۵)؛
 - بین میزان شناخت و آگاهی تعاونی ساکنین مناطق مختلف روستایی و متوسط بارندگی سالانه روستای محل سکونت آنها رابطه معنی‌دار آماری وجود ندارد.
- نتیجه این‌که در تهیه و آرایه‌ی الگوی بهینه‌ی برنامه‌ریزی ترویج و اطلاع‌رسانی تعاون به مناطق روستایی، توجه به اصول چندگانه ذیل ضروری است: اصل جریان دو سویه اطلاعات، اصل انطباق با شرایط محیطی و جغرافیایی، اصل سازگاری با ویژگی‌های فرهنگی جوامع روستایی، اصل بهره‌گیری از توان نهادهای محلی در برنامه‌های اقدام برای ترویج و اطلاع‌رسانی روستایی، اصل پوشش همگانی (دانستن حق همه است) و اصل پایداری محیطی.

منابع و مأخذ

- ۱- افتخاری، عبدالرضا رکن‌الدین (۱۳۸۲): *دهداریها و مدیریت توسعه‌ی پایدار روستا. دهداریها. نشریه آموزشی، اطلاع‌رسانی، ترویجی. سال اول. شماره ۲.*
 - ۲- انگبرگ، لیلا (۱۳۷۷): *نقش خانوارهای روستایی و تخصیص منابع در توسعه (رهنمودهایی برای یادگیری و یاددهی). ترجمه غلامحسین صالح‌نسب. ناشر معاونت ترویج و مشارکت‌های مردمی وزارت جهاد کشاورزی. خدمات نشر شرکت نقش‌آفرین. چاپ اول.*
 - ۳- پاپلی‌یزدی، محمدحسین، ابراهیمی، محمد امیر (۱۳۸۱): *نظریه‌های توسعه‌ی روستایی. انتشارات سمت. چاپ اول. تهران.*
 - ۴- پیربابایی، محمدتقی (۱۳۸۲): *ظرفیت‌سازی در ابتکارات توسعه‌ی روستایی. نمونه موردی: طرح توسعه‌ی منطقه‌ای سلسله کنگره توسعه روستایی. چالش‌ها و چشم‌اندازها. دانشگاه تهران.*
 - ۵- پیربابایی، محمدتقی (۱۳۸۱): *ظرفیت‌سازی در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه و چالش‌ها و چشم‌اندازهای آن در توسعه روستاهای کشور. همایش چالش‌ها و چشم‌اندازهای توسعه‌ی ایران. تهران.*
 - ۶- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۰): *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. انتشارات سمت. تهران.*
 - ۷- ستاری‌فر، محمد (۱۳۷۴): *درآمدی بر سرمایه و توسعه. انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی. چاپ اول. تهران.*
 - ۸- علی‌حمیدی، منصور (۱۳۷۶): *پرورش بینش علمی در آموزش و پرورش. جنگ مقاله‌ها. انتشارات پژوهشکده‌ی تعلیم و تربیت. چاپ اول. تهران.*
 - ۹- فاضل‌نیا، غریب، افتخاری، عبدالرضا رکن‌الدین (۱۳۸۴): *تبیین نظریه‌ای عوامل مؤثر بر شناخت و آگاهی روستاییان از توانش‌های خود و محیط پیرامون. فصلنامه علمی - پژوهشی مدرس. دوره نهم. شماره اول. پیاپی ۳۸.*
 - ۱۰- لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۷۹): *جامعه‌شناسی توسعه روستایی. نشر زر. چاپ اول. شیراز.*
 - ۱۱- ویندال، سون، سیگنایتزر، بنو، اولسون، جین (۱۳۷۶): *کاربرد نظریه‌های ارتباطات، مقدمه‌ای برای ارتباطات برنامه‌ریزی شده. ترجمه علیرضا دهقان. چاپ اول. انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها. تهران.*
- 12- Afshar. H (1998), women and empowerment, illustrations from the third world, Macmillan Press Ltd, university of your.
 - 13- Baker. H. R (1987), Future Options and Prospects in rural extension and technology transfer, occasional paper in rural extension, No.1, University of Guelph, Ontario, Canada..

- 14- Denmark's (2003), understanding the concept of capacity building and the nature of land administration systems, FIG working week 2003, Paris France. www.land.auc.dk/Denmark.
- 15- Murray. M, Dunn. L (1995), "Capacity building for rural development in the united states", Journal of rural studies, vol.11, No.1.
- 16- Narayan. D(2002), Empowerment and Poverty reduction: A sourcebook, PREM, world bank, may 1, www.land.auc.dk/Denmark.
- 17- Ramani. G (1999), "Rural infrastructure Program for poverty reduction" Policy form the SRI LANKAN EXPERIENCE, institute of policy, Colombo, sirlanka.
- 18- Rinkerton. J. R, Glazier. J. D (1993) " Extending information resource in rural areas", Journal of extension, Vol.31, No.2.
- 19- Stein. J (1997), Empowerment and women's Health, theory, Methods and Practice, zed book Ltd.